

گزارش

جدال بر سر ارز ترجیحی
در آستانه بودجه ۱۴۰۵

مرتضی افقه: دولت بودجه نهادهای بی خاصیت را حذف کند

بحث بر سر حذف ارز ترجیحی، با نزدیک شدن به فصل بودجه‌بندی سال آینده، دوباره بالاگرفته است. ماجرا از آنجا شروع شد که هفته گذشته، حسین صمصامی عضو کمیسیون اقتصادی در جلسه علنی مجلس گفت: «یک فاجعه اقتصادی دیگر در شرف وقوع است؛ همان طور که در سال ۱۴۰۱ با حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی، موج تورمی شدیدی در جامعه ایجاد شد و قشر زیادی از مردم زیر خط فقر رفتند، اکنون نیز قصد دارند همین کار را با حذف ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی انجام دهند».

او برای گواه ادعای خود، عنوان کرد: «تصویب نامه‌ای به هیات وزیران ارائه شده درباره اجرای طرح کالا برگ الکترونیکی که در ماده ۳ آن آمده است؛ به منظور تثبیت قیمت کالاهای اساسی برای مصرف‌کنندگان، مابه‌تفاوت نرخ ارز ترجیحی با نرخ ارز توافقی محاسبه و در انتهای زنجیره تأمین پرداخت شود؛ این یعنی حذف ارز ۲۸۵۰۰ و یک فاجعه بزرگ اقتصادی».

پس از آن هم ۵۱ نماینده مجلس در نامه‌ای به رئیس‌جمهور و مقامات عالی‌رتبه کشور نسبت به حذف نرخ ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی و جایگزینی آن با ارز توافقی هشدار دادند. آنها این تصمیم را تهدیدی برای افزایش تورم، آسیب به معیشت مردم و تشدید بحران اقتصادی دانستند.

از زمان جایگزینی دلار ۴۲۰۰ تومانی با نرخ ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی، بحث حذف ارز ترجیحی همواره محل مناقشه میان دولت، مجلس، کارشناسان و فعالان اقتصادی بوده است. ارز ترجیحی، به عنوان ابزاری برای کنترل قیمت کالاهای اساسی و دارو، در سال‌های گذشته نقش مهمی در سیاست‌های حمایتی دولت ایفا کرده است، اما همزمان، انتقادهای فراوانی نسبت به پیامدهای آن مطرح شده؛ از ایجاد رانت و فساد در زنجیره واردات گرفته تا ناکامی در رساندن یارانه پنهان به مصرف‌کننده نهایی. تجارب گذشته نشان داده است هر بار ارز ترجیحی حذف یا تغییر کرده، قیمت کالاهای اساسی مانند نان، روغن، مرغ، دارو و حتی نهاده‌های دامی با جهش قابل توجهی مواجه شده‌اند.

از سوی دیگر، کارشناسان اقتصادی نیز هشدار دادند که حذف ناگهانی این سیاست بدون تمهیدات جبرانی می‌تواند فشار تورمی شدیدی بر معیشت خانوارها وارد کند و شکاف طبقاتی را عمیق‌تر سازد. با این حال، دولت و بانک مرکزی در مواضع رسمی خود تأکید کرده‌اند که هیچ تصمیمی برای حذف ارز ترجیحی در کوتاه‌مدت اتخاذ نشده است.

از جمله سخنگوی دولت که اخیراً تأکید کرد که در فرایند تدوین بودجه، مباحث کارشناسی مختلف مطرح می‌شود، اما سیاست تخصیص ارز ترجیحی به کالاهای اساسی و دارو همچنان ادامه دارد. در عین حال، برخی نمایندگان مجلس معتقدند که هرگونه تغییر در این زمینه باید در چارچوب قانون بودجه و با تصویب مجلس انجام شود، نه در جلسات سران قوا.

۸۰۰ میلیون نفر در مقابل چند نفر!

یک اقتصاددان در پاسخ به اینکه در شرایطی که حذف ارز ترجیحی از یک سو منجر به رانت شده و قیمت‌ها در نهایت با دلار آزاد به دست مصرف‌کننده می‌رسد و از سوی دیگر حذف این ارز به افزایش قیمت‌ها منجر می‌شود، دولت چه زمانی باید دست به حذف این ارز بزند؟ اظهار داشت: دولت نمی‌تواند هیچوقت حذف کند. تا زمانی که ما در عرصه خارجی تحریم هستیم و در داخل هم این همه نابسامانی وجود دارد، هر کدام منشأ تورم می‌شوند. تورم دارد زیاد می‌شود و نرخ ارز هم به تبع آن دارد افزایش پیدا می‌کند؛ بنابراین دولت باید معیشت و سفره مردم را به تورم افسار گسیخته وصل کند.

مرتضی افقه، گفت: همه دولت‌ها حتی دولت‌های سرمایه‌داری، وظیفه دارند در شرایط بحرانی از جمله جنگ و تحریم وارد شوند و اتفاقاً رانت دهند. من سال‌هاست که می‌گویم رانت به خودی خود چیز بدی نیست بلکه سیاستی است که دولت‌ها برای کاهش نابرابری و تأمین معیشت مردم اعمال می‌کنند.

نمونه آن یارانه یا کالا برگ‌هایی است که می‌دهند و همه رانت است، اما دولت‌ها وظیفه دارند به دلیل شرایط بحرانی این رانت را بدهند.

ارز ترجیحی نه تنها بد نیست بلکه ضروری است. اینکه گروهی از این سیاست ضروری سوء استفاده می‌کنند، راهش این نیست که صورت مساله را پاک و ۸۰۰ میلیون را جرمه‌کنند، چون نمی‌خواهند جلوی ۲۰۰،۲۰۰ نفری که از بانک مرکزی ارز ترجیحی می‌گیرند و مشخصاتشان را هم دارند، بگیرند.

تورم انفجاری

این استاد دانشگاه در واکنش به اینکه کالاهایی که شامل ارز ترجیحی می‌شوند، در نهایت با نرخ دلار آزاد به دست مصرف‌کننده می‌رسد، گفت: این حرف درست نیست. اگر ارز ترجیحی وجود دارد ولی قیمت کالاها بالاست، به دلیل تورم است.

درست است که برخی از کالاهایی که ارز ترجیحی می‌گیرند، رانت است ولی علت دیگرش گران شدن نیروی کار، حمل و نقل و در مجموع زنجیره تولید به دلیل تورم است؛ بنابراین اگر کالایی ارز ترجیحی دریافت ولی قیمتش افزایش پیدا کرد، معنایش این نیست که دارد با نرخ دلار آزاد می‌فروشد بلکه بدین معناست که تورم باعث شده هزینه تولید آن بالا برود.

وی تصریح کرد: راه‌حل اصلی این است که دولت وقتی با تحریم مواجه شد باید سریع حذف ردیف‌های هزینه‌ای انبوهی می‌رفت که بی‌خاصیت هستند و به دلیل فشارها به جیب مردم تحمیل شده است.

آن موقع وفور نفت بود و کسی احساس نمی‌کرد، اما الان تحریم شده‌ایم. دولت به جای اینکه به دنبال منابع درآمدی از جیب مردم باشد، این ردیف‌ها را حذف کند.

دکتر حسین آخانی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

عمق فاجعه آب
به دلیل بی‌توجهی به
هشدارهاست

بایک نوروژ زود هنگام و سفر دسته جمعی مواجه خواهیم شد

پزشکیان مقصد سفر مردم تهران را مشخص کند

آرمان ملی- احسان انصاری: سخنان رئیس‌جمهور درباره چیره بندی آب در آذرمه و تخلیه تهران با واکنش‌های گسترده در جامعه مواجه شده است. این در حالی است که هنوز برخی درباره این اظهارات به صورت تردیدآمیز نگاه می‌کنند. با این وجود آنچه مشخص است این است که بحران آب در ایران روز به روز در حال تبدیل شدن به یک ابربحران بزرگ است. در شرایط کنونی ایران با یکی از شدیدترین و طولانی‌ترین دوره‌های خشکسالی دهه‌های اخیر خود دست و پنجه نرم می‌کند. کاهش شدید بارندگی در سال آبی جاری، افت بی‌سابقه ذخایر سد ها و اتکای فزاینده به منابع آب زیرزمینی، کشور و به‌ویژه کلان‌شهر تهران را در آستانه بحرانی جدی قرار داده است. به گفته اردکانی مدیر کل سازمان آبای استان تهران «در سال آبی گذشته و جاری، تنها ۱۵۹ میلی‌متر بارندگی در تهران ثبت شده که در یک قرن اخیر بی‌سابقه بوده است، همچنین در مهر و آبان امسال حتی یک میلی‌متر باران نیز در تهران نباریده. در حالی که میانگین بلندمدت بارش در این دوره حدود ۳۰۰ میلی‌متر بوده است». محسن اردکانی در این خصوص گفته است: «بر اساس

پس از رئیس‌جمهور که عنوان کردند احتمال چیره بندی آب وجود دارد وزیر نیرو نیز به صورت تلویحی این موضوع را تأیید کرده است. امروز ما در چه شرایط آبی قرار داریم که کار به اینجا کشیده شده است؟

وضعیت برای همه مشخص است که ما در چه شرایطی قرار گرفته‌ایم. نکته مهمی که در این زمینه وجود دارد این است که تازه برای برخی بحران آب مهم شده و کسانی که تا دیروز این موضوع به این مهمی را کم‌اهمیت جلوه می‌دادند، امروز به جایی رسیده‌اند که امثال بنده از مدت‌ها پیش هشداران را داده بودیم. اتفاقی که قرار است رخ بدهد این است که همه ما به همراه آقای رئیس‌جمهور به زودی از تهران کوچ خواهیم کرد و به یک سفر دسته جمعی خواهیم رفت. من فکر می‌کنم یک فرصت سفر برای همه فراهم شده که از تهران سفر کنند و به گردش و تفریح بپردازند و کسی هم کار نکنند. شاید کسانی که مسبب این وضعیت هستند به دنبال چنین چیزی نیز بوده‌اند.

در حالی که اغلب مناطق کشور با بحران بی‌آبی مواجه هستند مقصد مسافرت مردم تهران کجا خواهد بود؟

آقای پزشکیان که عنوان می‌کند باید تهران را تخلیه کنیم باید به این سوال پاسخ بدهد. من فکر می‌کنم مقصد مسافرت مردم تهران را باید آقای رئیس‌جمهور مشخص کند که به کدام شهر کشور سفر کنند. امروز کشور ما به نقطه‌ای رسیده که دیگر نیاز به کار کردن ندارد و به همین دلیل مردم می‌توانند به هر نقطه‌ای که دوست دارند سفر کنند. پس از مدتی نیز مردم دوباره به تهران باز می‌گردند و دوباره روز از نوروزی از نو.

آقای پزشکیان در عمل انجام شده قرار گرفته‌اند و این وضعیت نتیجه سیاست‌های دولت‌های گذشته است. در چنین شرایطی بحران آب را نیز باید پزشکیان حل کند؟

من قصد ندارم بحران آب را گردن آقای پزشکیان بیندارم. صحبت من این است که آقای پزشکیان گفته‌اند باید تهران را تخلیه کنیم و به سفر برویم. به هر حال ایشان بیشه‌ها خوبی داده‌اند. اگر قرار است در چنین وضعیتی سفر نرویم باید چه کار کنیم؟ آیا باید بنشینیم و به سر و کله هم بزنیم؟

اظهارات وزیر نیرو درباره به سفر رساندن آب مصرفی مردم در شب‌ها نشان دهنده عمق فاجعه بحران آب در ایران نیست؟

امروز کشور ما به نقطه‌ای رسیده که دیگر نیاز به کار کردن ندارد و به همین دلیل مردم می‌توانند به هر نقطه‌ای که دوست دارند سفر کنند. پس از مدتی نیز مردم دوباره به تهران باز می‌گردند و دوباره روز از نو روزی از نو

ما سال‌ها پیش گفتیم که ظرفیت اکولوژیکی شهر تهران به پایان رسیده و کسی هم به این هشدارها توجه نکرده است. اینکه کسی به این هشدارها توجه نکرده و نمی‌کند مشکل ما نیست و کاری دیگر از دست ما بر نمی‌آید. ما در گذشته هشدارهای لازم را داده‌ایم و امروز که کسی توجه نکرده و با این وضعیت مواجه شده این چرایی‌ها بحث کنیم و شرایط را برای مردم تشریح کنیم. این اتفاق باید سال‌ها پیش رخ می‌داده که نداده است. به قول معروف صحبت‌های رئیس‌جمهور و دیگر مسئولان که خود را دلسوز وضعیت زیست محیطی کشور است نوشداروی پس از مرگ سهراب است. اینکه در شرایط کنونی من بگویم چه اتفاقی در حال رخ دادن است چه سودی دارد و چه کسی توجه می‌کند؟ اگر قرار است کسی توجه کند چرا آن زمان که باید این اتفاق رخ می‌داد رخ نداده و کار به اینجا رسیده که می‌خواهند آب مصرفی مردم را جیره بندی کنند. ماقبل از اینکه این بیمار در آستانه مرگ قرار بگیرد همه هشدارها را داده‌ایم که این کشور ظرفیت ندارد و کشور را به این شکل

اتفاق افتادن چنین وضعیتی در این کشور با این شرایط اصلاً جای تعجب ندارد. مملکتی که یک فرد بی‌ادب و بی‌نزاکت دانش اکولوژی را به سخره می‌گیرد باید هم

این همه بلا سرش بیاید

عباس عبدی:

بازداشت اساتید نه‌اقتدار می‌آورد و نه اعتماد

تحلیلی این بخش‌ها تا حدودی از بین رفته است، اما اینکه بخواهیم دقیق در این مورد اخیر بگوییم اطلاعی ندارم. البته دستگاه قضایی هم معمولاً نظرات کارشناسان و در واقع دستگاه امنیتی را پذیرفته و حکم اولیه را می‌دهد. متأسفانه این رفتار به اعتقاد من به نفع دستگاه قضایی نیست. وی در بیان ادامه تحلیل خود از این اتفاق بیان کرد: فرض کنیم این افراد اقداماتی را انجام داده که مستحق احضار یا بازداشت باشد، اگر چنین باشد جامعه باید مطلع شود و مسئولین نمی‌توانند این کارها را در سکوت انجام دهند. این شیوه عدم پاسخگویی را حتی اگر افراد مرتکب خطایی شده باشند، افکار عمومی نمی‌پذیرد و آن را به تجربیات گذشته ارجاع می‌دهند و آن فرد را بیگناه می‌داند و مردم این اقدام سیستم را بیشتر یک موضوع «ترس از سایه خود» تعبیر می‌کنند. وی تأکید کرد: اگر بخواهیم بر اساس تجربیات گذشته حرف بزنیم واقعیت این است که این قبیل برخوردها واکنش به اقدام مهمی

نیست که ارزش بازداشت و سر و صدا داشته باشد. معمولاً حتی اطلاعات و آمار دقیقی هم ندارند و شواهد آنها بر اساس اطلاعات کم ارزشی است که از وسایل شخصی افراد بدست می‌آید. این کنشگر اجتماعی عنوان کرد: این برخوردها بیشتر ناشی از حس عمومی زیرخط‌های سیستم است که یک موضوع خطرناک را به بینند و متناسب با آن چند نفر را بازداشت می‌کنند و متأسفانه این اساساً نشانه خوبی از اقتدار سیستم نیست و بیشتر عدم اعتماد به نفس آنها را نشان می‌دهد. عبدی تصریح کرد: اثر منفی این برخورد با مردم این است که برخی فکر می‌کنند که سیستم به تنظیمات کارخانه بازگشته است و درک درستی از موقعیت خود ندارد، اگر هم درکی دارد از زوایه بسیار محدود امنیت فیزیکی و خطره هر گونه تهدیدی است و هیچ کوششی برای آنکه دایره خود را گسترده‌تر کند، انجام نمی‌دهند. بنابراین این‌ها علائم منفی است که از این دستگاه‌های امنیتی به جامعه صادر می‌شود.

یادداشت

ضرورت بازگشت به مطالبات ملی



محمد مهدی مظاهری

تحلیلگر مسائل بین‌الملل

منطقه غرب آسیا در یک سال اخیر تحولات زیادی را به خود دیده است؛ در مرکز همه این تحولات اقدامات نظامی رژیم اسرائیل قرار داشته که از زمان حمله هفت اکتبر (طوفان الاقصی)، دکترین امنیتی و نظامی خود را به سمت رویارویی مستقیم و حذف همه تهدیدات بالقوه و بالفعل تغییر داد. متأثر از این رویکرد، نه تنها باریکه غزه به منطقه‌ای ویران، با شهدهای غیر نظامی و نظامی بسیار تبدیل شد، بلکه بقیه اعضای جبهه مقاومت به ویژه حزب... لبنان و انصارا... یمن نیز آسیب‌های بسیار دیدند و تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران نیز تا حدی تخریب شد. حال هرچند با مداخله و برنامه‌ریزی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، آتش‌بس در غزه (به طور نسبی) برقرار شده و احتمال حمله مجدد رژیم اسرائیل به ایران کاهش یافته و این مسائل نشان می‌دهند که به پایان دوره جنگ‌های مستقیم و عملیات‌های نظامی در منطقه نزدیک می‌شویم، اما مشخص است که برای رژیم اسرائیل و حامیان غربی آن، این پایان ماجرا نیست؛ بلکه تنها آغاز یک پروژه جدید برای شکل دادن به یک خاورمیانه جدید است. اما این خاورمیانه مطلوب و مورد نظر رژیم اسرائیل، آمریکا و کشورهای غربی واجد چه ویژگی‌هایی است و دارای چه چشم‌اندازی خواهد بود؟ هر چند دولت بنیامین نتانیاهو به ویژه اعضای تندروی کابینه وی مایل هستند با تکمیل پروژه «مقاومت دلبایی» از منطقه، حملات نظامی خود را تا نابودی فیزیکی همه نیروهای مقاومت و تسلیحات آنها ادامه دهند، اما برکنار خورشید نیست که کشتار و نسل‌کشی این رژیم به حدی رسیده است که افکار عمومی جهانی را به شدت خشمگین کرده و تداوم حمایت دولت‌های غربی از این رژیم را تقریباً ناممکن ساخته است.

از سوی دیگر، نابودی وجهه اسرائیل در عرصه جهانی، اوج‌گیری مهاجرت معکوس یهودیان از اسرائیل به سایر کشورها و کاهش شدید درآمدهای توریستی این رژیم متأثر از تداوم جنگ و ناامنی، سبب شده است تا پایان جنگ در داخل سرزمین‌های اشغالی نیز طرفداران بسیاری پیدا کند. بر این اساس، به نظر می‌رسد در درجه نخست آنچه مورد توافق آمریکا و کشورهای غربی است، این است که چشم‌انداز منطقه باید از حالت نظامی-امنیتی خارج شود و به سمت همکاری‌های اقتصادی، فئاورانه و ترانزیتی حرکت کند؛ امری که در دولت اول ترامپ نیز در قالب توافق ابراهیم دنبال می‌شد و قرار بود به آشوب‌های کشورهای عربی با اسرائیل ختم شود. با این وجود شرط کشورهای عربی به ویژه عربستان برای پذیرش این امر، شکل‌گیری کشور مستقل فلسطینی است که رژیم اسرائیل حاضر به پذیرش آن نیست و البته دولت ترامپ هم چندان از آن دفاع نمی‌کند. در رابطه با جمهوری اسلامی ایران و سایر اعضای جبهه مقاومت نیز، آمریکا، رژیم اسرائیل و سایر کشورهای اروپایی و البته عرب توافق دارند که روند تضعیف این جبهه و رویکرد سخت‌گیرانه تحریمی-اقتصادی و در صورت لزوم نظامی باید تداوم داشته باشد تا جایی که به رفع کامل تهدیدات نسبت به رژیم اسرائیل ختم شود. بر این اساس، طرح استراتژیک آمریکا و غرب برای دوره پس-جنگ غزه در منطقه غرب آسیا، حفظ موازنه قدرت به نفع رژیم اسرائیل و کشورهای عربی میانه‌روی منطقه در مقابل نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران است. این هدف از طریق مجموعه‌ای از اقدامات نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک دنبال می‌شود. آمریکا حتی با وجود نفرت و خشم عمومی که نسبت به جنایات اسرائیل در غزه شکل گرفته، به تأمین مستمر پیشرفته‌ترین تجهیزات نظامی و اطلاعاتی برای اسرائیل ادامه می‌دهد و از این مسیر نه تنها به دنبال بازپایی توان نظامی این رژیم پس از عملیات هفت اکتبر است، بلکه می‌خواهد اطمینان حاصل کند که سکاف تکنولوژیک نظامی بین اسرائیل و هر قدرت منطقه‌ای دیگری (از جمله ایران) حفظ می‌شود. این رویکرد تضمین می‌کند که اسرائیل در هرگونه رویارویی نظامی احتمالی، دست بالا را داشته باشد. طرح پس-غزه آمریکا بر تسریع در روند عادی‌سازی روابط میان اسرائیل و کشورهای عربی (به ویژه عربستان سعودی) متمرکز دارد. این عادی‌سازی، که با محوریت سرمایه‌گذاری‌های عظیم اقتصادی و کریدورهای تجاری مانند کریدور هند-اروپا) تعریف می‌شود، به دنبال ایجاد یک بلوک اقتصادی قدرتمند در منطقه است. این بلوک جدید، کشورهای عربی را از لحاظ منافع اقتصادی به غرب و اسرائیل پیوند می‌دهد پس از جنگ را از «جنایات اسرائیل» به «لزم» مهار نفوذ بی‌ثبات‌کننده ایران» تغییر دهند. آنها با تأکید بر حملات گروه‌های مقاومت به کشتیرانی و تأسیسات منطقه‌ای، تلاش می‌کنند ایران را به عنوان عامل اصلی بی‌ثباتی معرفی کنند و بدین ترتیب، توجیه لازم را برای اقدامات بعدی و حفظ برتری امنیتی اسرائیل فراهم آورند. جبهه غربی همچنین در تلاش است تا با اعمال فشار سیاسی و کمک‌های اقتصادی هدفمند، ساختارهای قدرت در مناطقی مانند غزه و لبنان را تغییر و در نتیجه نفوذ منطقه‌ای ایران را کاهش دهند.